

بررسی الگوی مفهومی امنیت در منابع دینی (قرآن مجید، سیره نبوی (ص) و علوی (ع))

سید تقی حسینی¹

تاریخ دریافت: 96/10/08
تاریخ پذیرش: 97/01/30

از صفحه 83 تا 102

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم،
شماره دوم (پیاپی چهل و دوم)، زمستان 1397

چکیده

مقدمه: تأمین امنیت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک همه افراد بشر، از گذشته تاکنون است. از این رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی مفهومی امنیت در منابع دینی (قرآن مجید، سیره نبوی (ص) و علوی (ع)) است.

روش: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، روش گردآوری داده‌ها، اسنادی-کتابخانه‌ای و یافته‌های تحقیق به شیوه تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: توجه به اصول، عامل به دستورات قرآن، صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان، خوش‌خلقی، مبارزه با جنگ‌افروزان و فتنه‌گران، نهی از طاغوت، پرهیز از استبداد و اجبار، ظلم‌ستیزی، پایبندی به پیمان و برخورد با پیمان‌شکنان، پایبندی به قوانین الهی، درآمیختن نرمش و واقعیت، برقراری عدل و قسط، توجه به وحدت بین مسلمانان و انفاق و رسیدگی به فقرا و محرومان اهم شاخص‌های است که در منابع دینی و سیره نبوی (ص) و علوی (ع) قابل احصاء است.

نتیجه‌گیری: در نظام و حاکمیت اسلامی چه در عصر رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) و چه در زمان جانشینان بر حق ایشان و چه در عصر معاصر که ولی‌فقیه در حاکمیت اسلامی قرار دارد و مشروعیت ایشان بر اساس حاکمیت الهی است. سیره امنیتی رسول مکرم اسلام برگرفته از قرآن و صفات الهی بوده و حضرت علی(ع) نیز به‌عنوان جانشین رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) از همان سیره تبعیت داشته است. لذا در عصر تمدن نوین اسلامی نیز می‌بایست از همان اصول که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مورد تأکید حضرت امام (ره) نیز بود، تبعیت کرد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، قرآن مجید، سیره نبوی(ع)، سیره علوی (ع).

1- دانشجوی دکتری مدیریت استراتژیک؛ دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام راجع به مفهوم امنیت، رجوع به منابع اولیه اسلامی است. قرآن کریم اولین منبع احکام اسلامی است. قرآن، امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد. قرآن هرگاه از امنیت سخن می‌گوید بی‌درنگ از شاخص‌های توسعه نظیر فراوانی تولید کالاها، گسترش ارتباطات، پیشرفت علوم و فنون، مسکن، شهرسازی، آسایش و رفاه، رهایی از غم و اندوه، خوف و ترس و وحشت سخن به میان می‌آورد. می‌توان گفت در فرهنگ قرآن، امنیت از یک مفهوم وسیع و دربرگیرنده، متوازن و عمیقی برخوردار است که شامل تمام حوزه‌های زندگی انسان (مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی، سیاسی و اقتصادی) می‌شود. امنیت در مفهوم قرآنی آن در سایه تقوا، توکل، احترام به حقوق دیگران، اجرای قسط و عدالت، برابری و برادری، دفاع و حمایت از مظلوم و محروم، برخورد با مفسد و مجرم، دفع فقر و محرومیت، تأمین معیشت و رفاه، حفظ آزادی‌های مشروع مردم و حاکمیت معیارهای انسانی و الهی امکان‌پذیر است. همچنین، قرآن مجید اهمیت و ضرورت امنیت را به‌عنوان سنگ زیرین مؤلفه‌های تکامل انسان معرفی می‌نماید. تأکید و توجه قرآن به مقوله امنیت نشان‌دهنده این واقعیت است که رشد، توسعه و شکوفایی در تمام حوزه‌های زندگی جز در سایه امنیت و آرامش امکان‌پذیر نخواهد بود. به‌علاوه، در سیره امنیتی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌تهدیدات اصلی امنیت انسان و جامعه انسانی تهدیدات درونی است. از این‌رو، در بحث امنیت فردی «موانع درونی کمال» و به تعبیر دیگر، «ظلم به خود» جزء تهدیدات به‌حساب می‌آید و در حوزه جهانی استبداد، استکبار و در یک کلام «ظلم به دیگران» تهدید می‌باشد. فرمایش پیامبر مکرم صلی‌الله‌علیه‌و‌آله در خصوص جهاد اکبر و اصغر نیز اشاره به چنین مضمونی است (لک‌زایی، 1385: 1).

موانع کمال یا درونی است یا بیرونی. رذایل اخلاقی جزء موانع درونی هستند، درحالی‌که استبداد و استکبار از موانع بیرونی به‌حساب می‌آیند؛ بنابراین از نگاه تهدیدات اصلی امنیت انسان و جامعه انسانی تهدیدات درونی است. مبارزه با تهدیدات درونی مقدمه مبارزه با تهدیدات بیرونی است؛ در نتیجه ضرورت دارد که ما در بحث امنیت فردی موانع درونی کمال را جزء تهدیدات به‌حساب آوریم. این آیه از قرآن کریم به‌صراحت بر این امر تأکید دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: 82)

کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی نیامیختند، ایمنی برای آنان است و آنان راه‌یافتگان اند و در حوزه امنیت ملی و جهانی استبداد و استکبار را تهدید بدانیم و روشن است که با تهدید هم باید مبارزه کرد. آنچه در فرمایش پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله علیه و اله با عنوان جهاد اکبر و اصغر از آن یاد شده است، اشاره به چنین مضمونی است. با توجه به آنچه گفته شد، لازم است نگرش قرآنی مذکور در جهان اسلام و بلکه جهان احیا شود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی الگوی مفهومی امنیت در منابع دینی (قرآن مجید، سیره نبوی (ص) و علوی (ع)) است و این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های امنیتی در منابع دینی (قرآن مجید، سیره نبوی (ص) و علوی (ع)) چگونه است؟

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

عبدالله السمان (1357)، در کتاب «اسلام و امنیت جهانی» به مبحث امنیت سیاسی در اسلام پرداخته است. در این کتاب مسائلی از قبیل امنیت ملی، عدالت اجتماعی و جنبه‌های اسلامی و مذهبی آن و همچنین تأکید قرآن کریم بر امنیت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

محمد عماره (1383)، در کتاب «امنیت اجتماعی در اسلام» به موضوع امنیت در حوزه امور اجتماعی از دیدگاه اسلام پرداخته است. این کتاب که در حوزه جامعه‌شناسی اسلامی نگاشته شده است مسائلی از قبیل لزوم تجدید حیات فکری در حوزه‌های مختلف از جمله امنیت را مورد بررسی قرار داده است.

هاشمیان فرد (1388)، در کتاب «امنیت در اسلام» به جنبه‌های اسلامی و مذهبی امنیت و ابعاد مختلف آن در حیات فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی انسان پرداخته است. در این کتاب جایگاه امنیت در قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است.



مبانی نظری

امنیت پایدار از دو بُعد اساسی یعنی امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل می‌شود. امنیت داخلی در دیدگاه سلبی به معنای نبود تهدید داخلی علیه امنیت ملی است. این مقوله در دیدگاه ایجابی علاوه بر متصور نبودن تهدید داخلی، تحقق شرایط مطلوب برای ایجاد فرصت‌های توسعه و پیشرفت در سطح جامعه را شامل می‌شود (مندل،¹ 1387: 43). امنیت خارجی وضعیتی است که در آن منافع و ارزش‌های حیاتی یک کشور از قبیل تمامیت سرزمین، زندگی آحاد جامعه و ارزش‌های دینی و ملی در برابر تهدید خارجی حفظ گردد (لیپمن،² 1943: 96). در تبیین مفهوم امنیت پایدار توجه به این نکته حائز اهمیت است که هر جامعه‌ای دارای وجوه اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و... است و امنیت پایدار مستلزم ایجاد امنیت در تمامی وجوه یادشده می‌باشد. قدرت دفاعی قابل اطمینان، توان اقتصادی مطلوب، مشروعیت سیاسی گسترده، ساختار اجتماعی مستحکم و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها مقوله‌هایی هستند که در کنار یکدیگر پایداری امنیت را برای کشور به ارمغان می‌آورند؛ بنابراین کاستی در نظام حاکمیتی، شکاف داخلی و تمرد توده مردم، آسیب‌پذیری اقتصادی، ناتوانی سیاست خارجی و ضعف بازدارندگی در برابر تهدید خارجی مقوله‌هایی هستند که هر کدام به‌تنهایی می‌توانند تهدیدی جدی برای پایداری امنیت به حساب آیند. برای روشن‌تر شدن موضوع به این مثال توجه فرمایید: اگر ده‌ها حلقه از یک زنجیر هر کدام قدرت تحمل وزن هزار کیلو را داشته باشند، ولی فقط یک حلقه آن ضعیف باشد و بیش از صد کیلو را تحمل نکند، کل زنجیر قادر به تحمل وزن بیش از صد کیلو نخواهد بود. لذا پایداری امنیت یک جامعه به اندازه امنیت ضعیف‌ترین مؤلفه قدرت در آن جامعه است. امنیت از دیدگاه قرآن مفهومی گسترده و عمیق دارد و علاوه بر بُعد دنیوی، امنیت اخروی، یعنی ایمنی از عذاب الهی در آخرت را نیز شامل می‌شود. قرآن کریم امنیت را نعمتی از جانب خداوند می‌داند که برای مؤمنان و صالحان منشأ آرامش خواهد بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند، ایمنی از برای آن‌هاست و آن‌ها هدایت‌یافتگان‌اند» (الأنعام: 82). ابن کثیر در تفسیر واژه

1 - Mandel

2 - Lippman

«الأمن» در آیه فوق می‌گوید: «آنان کسانی هستند که عبادت را برای خدای یکتا خالص کرده‌اند و در هیچ چیزی به او شرک نمی‌ورزند. آنان همان ایمن‌شدگان در روز قیامت هستند» (ابن کثیر، 1426: 263/3). او معتقد است که منظور از امنیت در آیه 82 سوره الأنعام، امنیت از عذاب الهی در روز قیامت است. از سوی دیگر، در آیه 55 سوره نور خداوند به مؤمنان وعده حکمرانی روی زمین داده است که مفسران از آن به امنیت در دنیا تعبیر کرده‌اند. تأکید قرآن کریم بر موضوع امنیت و ارتباط بخش زیادی از مباحث فقهی از قبیل حدود، دیات و جهاد با امنیت نشانگر توجه اسلام و قرآن به این مسئله است و پرداختن به این مقوله در سطحی گسترده از اهمیت نهادینه کردن فرهنگ صلح و امنیت در جامعه اسلامی حکایت دارد. با توجه به کاربرد مفهوم امنیت در قرآن کریم در همه ابعاد آن، می‌توان نتیجه گرفت که مقصود قرآن از امنیت، تحقق همه مؤلفه‌های ثبات در جامعه و امنیت پایدار است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، نوع تحقیق کیفی و روش گردآوری داده‌ها اسنادی-کتابخانه‌ای است؛ به طوری که با رجوع به منابع دینی و بهره‌گیری از فن تحلیل محتوای کیفی یافته‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

1- صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان

بنای اولیه در اسلام بر صلح و پرهیز از جنگ و پرهیز از تعصب جاهلی در برخورد با مخالفان است. بر این امر در آیه ذیل تأکید شده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: 64) بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرند. پس اگر [از دعوت به این حقایق] روی گرداندند [تو و پیروانت] بگویید: گواه باشید که ما [در برابر خدا و فرمان‌ها



و احکام او] تسلیم هستیم. علاوه بر این آیه، آیات فراوان دیگر و نیز موارد متعددی از سیره نبوی نقل شده که مؤید اصل مذکور است و این آیات در واقع برای پیامبر عظیم الشان اسلام صلوات الله علیه ترسیم خط مدیریت و سیره بر مبنای اراده قادر حکیم که همانا دعوت انسان‌ها به وحدت کلمه و پرهیز از شرک و تأکید به پرستش خداوند یکتا است، تأکید شده است

2- مبارزه با جنگ افروزان و فتنه‌گران

در صورتی که مخالفان اسلام بخواهند از برخورد محبت‌آمیز، منطقی و توأم با دلسوزی اسلام سوءاستفاده نمایند و فتنه‌انگیزی کنند، دستور اسلام مبارزه با آنهاست؛ چیزی که در سیره نبوی در برخورد با یهودیان، مشرکان و منافقان قابل مشاهده است. آیات ذیل مبین همین معناست:

«وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره: 192) و آنان را [که از شرک و کفر و هیچ ستمی باز نمی‌ایستند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند، بیرونشان کنید و فتنه [که شرک، بت پرستی، بیرون کردن مردم از خانه و کاشانه و وطنشان باشد] از قتل و کشتار بدتر است و کنار مسجد الحرام با آنان نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما جنگیدند آنان را به قتل برسانید که پاداش و کیفر کافران همین است.

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: 193) و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر باز ایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست.

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال: 39) و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خون‌ریزی و ناامنی] بر جا نماند و دین ویژه خدا شود، پس اگر از فتنه باز ایستند [با آنان نجنگید] زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلِيَانَا لِنَأْتِيَ نِسَاءَنا وَبَنِينا مِنْ بَيْنِ يَدَيْنا وَنَلْبَسَنا مِنْ ثِيَابِنا وَنَحْمِلَ وِزْرَنا وَنَقْرَبَ أَبْنا وَنَحْمِلَ وِزْرَنا وَنَقْرَبَ أَبْنا وَنَحْمِلَ وِزْرَنا وَنَقْرَبَ أَبْنا» (نساء: 75) شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [که ستمکاران هرگونه راه چاره را بر آنان بسته‌اند] نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده.

آنچه در این آیات بر آن تأکید شده و در سیره نبوی نیز به منصفه‌ظهور رسیده است، ضامن تأمین امنیت امت اسلامی در برابر تهدیدات جهانی و تهدیدات سازمان‌یافته داخلی است.

3- پرهیز از استبداد و اجبار

پرهیز از استبداد و اجبار و دیکتاتوری از سوی حاکمان و کارگزاران و رهبران دینی در جهت تأمین امنیت سیاسی و دینی و اعتقادی امت مسلمان امری الزامی است. اگر کسی عقیده‌ای را با اجبار بپذیرد، طبیعتاً روزی که برایش فرصت فراهم شود، آن را ترک خواهد کرد، چنان‌که پذیرش از صرف تظاهر فراتر نخواهد رفت و در نتیجه روزبه‌روز در جامعه نفاق که عنصری ضد امنیتی است، گسترش خواهد یافت. آیات زیر بر همین معنا تأکید دارد:

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: 99) اگر پروردگارت می‌خواست، یقیناً همه کسانی که روی زمین‌اند [اجباراً] ایمان می‌آوردند؛ [ای پیامبر، درحالی‌که خدا از بندگان‌ش ایمان اجباری نخواسته] پس آیا تو مردم را وادار می‌کنی تا به اجبار مؤمن شوند؟

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: 256) در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به‌کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد]. مسلماً راه هدایت از گمراهی [به‌وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار



شده است. پس هر که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی‌تردید به محکم‌ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خدا شنوا و داناست. نیز خداوند در مذمت فرعون می‌گوید: «استخفَّ قومه فاطاؤه» فرعون قوم خود را خوار و خفیف کرد، پس آن‌ها اطاعتش می‌کردند. رفتاری که در اسلام هیچ جایگاهی ندارد «العزّه لله و لرسوله و للمؤمنین».

4- ظلم‌ستیزی

شاید بتوانیم بگوییم کلید اصلی تأمین امنیت در مکتب اسلامی مبارزه همه‌جانبه با ظلم است.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: 82) کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی نیامیختند، ایمنی برای آنان است و آنان راه‌یافتگان‌اند.

آلوده شدن به ظلم، امنیت را از بین می‌برد؛ بنابراین برای برقراری امنیت باید با انواع و اقسام ظلم مبارزه کرد. خداوند متعال، فریاد توأم با اهانت را، فقط در مورد کسانی اجازه داده است که به آن‌ها ظلمی شده باشد.

«لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (نساء: 148) خدا افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است [که بر ستم‌دیده برای دفع ستم، افشای بدی‌های ستمکار جایز است] و خدا شنوا و داناست.

آیاتی که درباره ظلم و نکوهش آن آمده، فراوان است، به‌طوری‌که برخی از دانشمندان رساله مستقلی در این باب نگاشته‌اند.

5- نهی از اطاعت طاغوت

خدا و پیامبر دوست مؤمنان هستند و دشمن طاغوت و ستمگران؛ لذا بر مبارزه با طاغوت و نهی از اطاعت طاغوت دستور داده شده است. چیزی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سراسر دوره رسالت خویش یک‌لحظه نیز آن را فرونگذاشت.

«اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (نساء: 37) خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها ای جهل، شرک، فسق و فجور [به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیانگران‌اند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا جاودانه‌اند.

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» (نساء: 51) آیا به کسانی که بهره‌ای اندک از [دانش] کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی که به هر معبودی غیر خدا و هر طغیانگری ایمان می‌آورند؟! و درباره کسانی که کافر شده‌اند، می‌گویند: آنان از کسانی که ایمان [به قرآن و پیامبر] آورده‌اند، راه‌یافته‌ترند.

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِن قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَن يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء: 60) آیا به کسانی که گمان می‌کنند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، ننگریستی که می‌خواهند [در موارد نزاع و اختلافان] داوری و محاکمه نزد طاغوت برند؟ [همان حاکمان ستمکار و قاضیان رشوه‌خواری که جز به باطل حکم نمی‌رانند] درحالی‌که فرمان یافته‌اند به طاغوت کفر ورزند و شیطان [با سوق دادنشان به محاکم طاغوت] می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری [که هرگز به رحمت خدا دست نیابند] دچار کند.

«الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتلونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقاتلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: 76) آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی‌پایه است.



«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ» (زمر: 17) و کسانی که از پرستیدن طاغوت [یعنی بت‌ها، اربابان کفر و شیطان‌های سرکش] دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، بر آنان مژده باد؛ پس به بندگانم مژده ده.

6- پایبندی به پیمان و برخورد با پیمان‌شکنان

پیمان‌شکنی محل امنیت عمومی و جهانی و وفای به عهد زمینه‌ساز امنیت است. در آیاتی از کتاب آسمانی قرآن بر این موضوع تأکید و بر برخورد با پیمان‌شکنان تأکید شده است.

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام: 152) و به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است، نزدیک نشوید تا به حد بلوغ [بدنی و عقلی] خود برسد و پیمان‌ها و ترازو را بر اساس عدالت و انصاف کامل و تمام بدهید؛ هیچ‌کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخن گوئید، عدالت ورزید هر چند درباره خویشان باشد و به پیمان خدا وفا کنید. خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا پند گیرید.

«وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ» (اعراف: 102) و برای بیشتر آنان هیچ‌گونه پایبندی و تعهدی [به وعده‌هایشان مبنی بر ایمان آوردن پس از دیدن معجزات و دلایل] نیافتیم و در حقیقت بیشتر آنان را نافرمان [و پیمان‌شکن] یافتیم.

«الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال: 56) همان کسانی که با برخی از آنان [بارها] پیمان بستیم، ولی هر بار پیمانشان را می‌شکنند و از خدا پروا نمی‌کنند.

«إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (توبه: 4) مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بستید، سپس چیزی [از شرایط پیمان را] نسبت به شما نکاستند و احدی [از دشمنان را] بر ضد شما یاری نکردند، پس به پیمانشان تا پایان مدتشان وفادار باشید؛ زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد.

«وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه: 12) و اگر پیمان‌هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب‌جویی گشودند، در این صورت با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را [نسبت به پیمان‌هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان‌شکنی] بازایستند.

«الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ» (عد: 20) همان کسانی که به عهد خدا [که همانا قرآن است] وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند.

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد: 25) و کسانی که عهد خدا را پس از استوار کردنش می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا به برقراری آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، لعنت و فرجام بد و دشوار آن سرای برای آنان است.

همان‌طور که ملاحظه شد، خدا عهدش را با بندگان نمی‌شکند و این مایه آرامش بندگان در ارتباط با خداست. مایه آرامش جوامع انسانی نیز آن است که پیمانی را که با یکدیگر نمی‌بندند، نشکنند.

7- پایبندی به قوانین الهی

نظم جامعه در صورتی عادلانه است که بر قوانین عادلانه استوار باشد. نظم عادلانه امنیت همه‌جانبه را به ارمغان خواهد آورد؛ بنابراین، با توجه به این‌که تنها قوانین الهی عادلانه است، نظم مبتنی بر قوانین الهی امنیت را به دنبال خواهد آورد. در آیات زیر بر این امر تأکید شده است:

«وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس: 109) و از آنچه به سویت وحی می‌شود، پیروی کن و [در برابر پیش‌آمدها و تکذیب منکران] شکیبیا باش تا خدا [میان تو و مخالفانت] داوری کند و او بهترین داوران است.

«وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (احزاب: 2) و آنچه را که از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن؛ قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.



پیروی از هوا و هوس و پیروی از ابلیس، انسان را از جاده عدالت و انصاف خارج می‌کند؛ خروج از عدالت خروج از امنیت خواهد بود.

8- در آمیختن نرمش و قاطعیت

صلح‌طلبی بیش از حد مشوق جنگ و ناامنی است. چون دیگران، برای حمله به کسی که از خود دفاع نمی‌کند، تشویق می‌شوند. لذا در اسلام بر نرمش و صلح‌طلبی توأم با قاطعیت تأکید شده است. آیات زیر در این زمینه گویاست.

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبئسَ الْمَصِيرُ» (توبه: 73) ای پیامبر، با کافران و منافقان به جهاد برخیز و بر آنان سخت‌گیری کن [و درشت‌خو باش] و جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد بازگشت‌گاهی است.

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْفِهِ يَعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: 29) محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربان‌اند. همواره آنان را در رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند؛ نشانه آنان در چهره‌شان از اثر سجود پیداست؛ این است توصیف آنان در تورات و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه‌های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستبر و ضخیم شده، در نتیجه بر ساقه‌هایش [محکم و استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می‌آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و نیرومندی] مؤمنان، کافران را به خشم آورد. [و] خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

9- برقراری عدل و قسط

امنیت همه‌جانبه درگرو استقرار عدالت همه‌جانبه است. در این آیات بر این امر تأکید و تصریح شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ

وَرُسُلُهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: 25) همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوریم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

10- انفاق و رسیدگی به فقیران و محرومان

امنیت اقتصادی، علاوه بر این که خود موضوعیت دارد، زمینه‌ساز برخی از دیگر ابعاد امنیت نیز است؛ از این رو در آیات قرآن به این امر توجه داده شده است و پیامبر اسلام نیز، به‌عنوان یکی از مخاطبان این آیات، عامل به آن بوده است. این آیه نمونه‌ای از آیات گوناگون در این زمینه است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حدید: 254) ای اهل ایمان، از آنچه به شما روزی کرده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آن که روزی بیاید که در آن نه دادوستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و تنها کافران ستمکارند.

چنانچه حضرت ابراهیم (ع) درخواست می‌کند: خدایا این شهر را امنیت بخش و به مردمان آن، از میوه‌ها روزی گردان (بقره: 126) و نیز می‌فرماید: پروردگارا این شهر را امنیت بخش و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور نگاه‌دار (ابراهیم: 35)

در آیه اول پیش از رزق و روزی و مسائل اقتصادی مسئله امنیت را مطرح می‌سازد و درخواست می‌دارد که شهر را امنیت بخشد و با عطف مسائل اقتصادی به مسئله امنیت گوشزد می‌کند که یکی از مباحث امنیت شهر بعد اقتصادی است؛ البته با این روش بیان می‌دارد که یکی از مؤلفه‌های امنیت، امنیت اقتصادی است نه تمام آن. در آیه دومی، آن را عطف به مسئله پرهیز از بت‌پرستی می‌کند تا بیان دارد که یکی دیگر از مؤلفه‌های امنیت، مسئله امنیت روحی و روانی جامعه است که با بت‌پرستی و دوری از توحید موجبات ناامنی جامعه و زوال و نابودی آن فراهم می‌آید؛ بنابراین، با این دو آیه می‌توان چنین استنباط کرد که از شاخص‌های مهم امنیت، مسئله رفاه اقتصادی و امنیت روحی - معنوی است. بی‌گمان آنچه حضرت از خدا خواسته است سعادت جامعه است که چیزی جز آسایش و آرامش نیست. در حقیقت مفهوم قرآنی امنیت، یعنی آسایش و



آرامش فرد و جامعه که جز با فراهم آمدن نعمت‌های مادی و نعمت‌های معنوی امکان‌پذیر است.

11- سیره نبوی (صلی‌الله علیه و اله و سلم) و علوی (امام علی (ع))

به‌طور کلی مهم‌ترین جهت‌گیری در سیره و رویکرد اجتماعی پیامبر (صلی‌الله علیه و اله و سلم) به‌ویژه در مدینه و بعد از تشکیل دولت اسلامی عبارت بود از تبدیل و دگرگون نمودن جامعه قبیله‌ای مبتنی بر عصبیت به جامعه‌ای مبتنی بر مدنیت و اصول و ارزش‌های پایدار اجتماعی و انسانی که در آن اخلاق، قانون و هم‌زیستی در یک محیط اجتماعی مشترک جریان داشته باشد. این جهت‌گیری درست برخلاف گرایش‌های غالب و چیره در جامعه جاهلی بود؛ چراکه در این جامعه زندگی بادیه‌نشین و یا همان بدویت به‌نوعی دارای ارزش مثبت و فضیلت به شمار می‌آمد. به‌گونه‌ای که حتی قبیله‌های بدوی قریش را به خاطر یکجانشین بودن و زندگی نیمه‌شهری خوار می‌شمردند (صدری‌نیا، 1380: 309). ظهور پیامبر بزرگ اسلام (صلی‌الله علیه و اله و سلم) در میان جامعه‌ای که با تکیه بر عصبیت‌های قومی و قبیله‌ای، تمامی مسائل حتی بت‌ها را تحت‌الشعاع لذات مادی و حفظ و افزایش سرمایه خود می‌کردند، اقوامی که رؤسای آنان با استناد به تعابیر ظاهری و اجتناب از تفکر و تعقل سعی در نفوذ و گسترش سلطه خود بر مردم داشتند، خود به‌تنهایی اعجازی شگفت بود و در این شرایط پیامبر (صلی‌الله علیه و اله و سلم) نخستین گام را با تربیت مریدانی لایق برداشت و در مسیر با هدایت و آموزش مردم، بر اساس تعالیم وحی و با گسترش دامنه تفکر و اندیشه و تأسی به رهنمودهای ربانی به‌ویژه نقش اقوام در تغییر سرنوشت خود و عدم جبر مطلق، شرایطی را پدید آورد که معیارهای قومی و جاهلیت‌های پیش از اسلام نه‌تنها ارزش محسوب نمی‌شد و ابزار سنجش شرافت و برتری نبود، بلکه در جامعه اسلامی زمینه‌ای برای بروز و گسترش پیدا نکرد. بر این اساس، گفتمان امنیتی پیامبر اسلام در ابعاد و سطوح مختلف آن یکی از نیازها و مطالبات عمده و اساسی بشریت حاضر و مخصوصاً جهان اسلام است. به‌علاوه، نیاز به امنیت در موارد مختلف چون تأمین امنیت اقتصادی، روانی، فرهنگی، قضائی، حقوقی، زیست‌محیطی، اخلاقی، سیاسی و نیز راهکارهای جلوگیری از ناامنی‌ها و عوامل بر هم زننده آن‌ها در سیره پیامبر اکرم (ص) آمده است. با عنایت به اسوه بودن سیره اجتماعی و فردی پیامبر اعظم تبیین سیره امنیتی آن

حضرت می‌تواند در جهت تأمین امنیت بشری با ابعاد مختلف آن، مؤثر و راه‌گشا باشد. پرهیز از جنگ و خشونت و صلح‌طلبی در برخورد با مخالفان، عمق دادن معنایی به هویت اسلامی، اصل اخوت به‌جای دشمنی، همگرایی و وحدت، نبرد با جنگ‌طلبان و منافقین، پرهیز از استبداد و ستم، ظلم‌ستیزی، وفاداری به تعهدات و توافقنامه‌ها و برخورد با پیمان‌شکنان، التزام و تعهد به قوانین الهی، تساهل و تسامح توأم با جدیت و قاطعیت، برقراری عدل و قسط، رسیدگی به فقرا و محرومان، ترویج انفاق و ایثار و... از اهم اصولی است که در تأمین امنیت مورد توجه پیامبر (ص) قرار داشته است (اسلامی، 1388: 38).

بر این منوال، یکی از اهداف والای امام علی (ع) نیز هنگامی که زمام خلافت را به دست گرفت، برقراری و گسترش امنیت در سرزمین‌های اسلامی بود، به‌ویژه در دوران خلافتش حفظ وحدت را مهم‌تر از اقدامات نظامی دانسته و در برخورد با بیعت‌شکنان، جمل، خوارج، نهروان، سپاهیان شام و معاویه پیش از آنکه اقدام به جنگ نماید، تمام‌تلاش خود را به کار بست تا از جنگ و خون‌ریزی میان مسلمانان جلوگیری شود و در همه جنگ‌ها نیز پس از آن که مجبور به جنگ شد یارانش را فرمان داد که آغازگر جنگ نباشند. همچنین، حضرت علی (ع) در اهمیت به وحدت و پرهیز از تفرقه و تشتت چنان تأکید دارند و به‌عنوان قانون لایتنیر می‌فرمایند «والله لا ظنن هؤلاء القوم سیدالون منکم باجماعهم علی باطلهم و فرقم عن حقکم: به خدا سوگند که گمان می‌کنم بزودی آن ارتش معاویه بر شما چیره می‌شوند، چراکه آن‌ها در باطل خود اتحاد و همبستگی دارند و شما در حق خود دچار تفرقه و اختلاف هستید (نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی: 17).

حضرت علی (ع) در بخش‌های دیگری از فرمان خود در نهج‌البلاغه به تهدیدات و خطرات مهم متوجه جامعه تأکید و اشاره می‌فرمایند عدم پیروی و تبعیت از امام و رهبری یکی از آن خطرات است و می‌فرمایند: «فحق علی الناس ان یسمعوا له وان یطیعوا وان یجیبوا اذا دعوا»؛ یعنی حقی که امام و رهبر بر گردن مردم دارد این است که کلام او را گوش کنند و از او اطاعت کنند و هنگامی که آن‌ها را به کاری دعوت می‌کند تبعیت کرده و پاسخ مناسب دهند (ری‌شهری، 1363). امام در بیان دیگری به اهمیت جهاد برای حفظ امنیت تأکید و در خطبه 27 صفحه 79 می‌فرمایند: «جهاد



دوری از درهای بهشت است که خدا آن را برای دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوی و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و آن را ترک کند خداوند ذلت و خواری را به بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد». یکی دیگر از سیاست‌های امنیتی امام علی (ع) توجه و مقابله با خطر منافقین بود. امام علی (ع) علاوه بر موارد ذکر شده اقدامات متعددی نیز در راه ایجاد و گسترش امنیت در سرزمین‌های تحت قلمرو خود انجام دادند که برخی از آن‌ها سیاسی و برخی امنیتی و بعضی تاکتیک‌های نظامی بودند: 1- از مهم‌ترین اقدامات سیاسی به تغییر پایتخت و مرکز حکومت از مدینه (حجاز) به کوفه (عراق) و به‌کارگیری روش‌های دیپلماتیک و مذاکره و نامه‌نگاری با طرف‌های متخاصم اشاره کرد. 2- کسب خبر به‌وسیله نیروهای مخفی در میان دشمنان و نظارت پنهان بر ارتباطات کارگزاران خود به‌منظور جلوگیری از فریب خوردن آن‌ها توسط دشمن و نیز حفظ اسرار نظامی از جمله روش‌های امنیتی بود. 3- سیره حکومتی امیرالمؤمنین (ع) بر این اساس استوار بود که بدون جنگ و خونریزی امنیت جامع برقرار گردد، اما این بدان معنا نبود که آن حضرت توجهی به اقدامات دفاعی نداشته باشد، بلکه بر اساس دستور صریح قرآن «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...» (انفال: 60). امام علی (ع) نیز توجه خاصی به نیروهای نظامی داشته و آن‌ها را حافظ مردم و زینت و آراستگی حکمرانان دانسته فرمودند: «فا لجنود باذن الله حصون الرعیة و زین الولاة و عز الدین و سبب الأمن و لیس تقوم الرعیة الا بهم»؛ (نهج‌البلاغه، نامه 53: 1003). پس سپاهیان به فرمان خدا برای رعیت مانند دژها و قلعه‌ها (که آن‌ها را از شر دشمنان آسوده می‌دارند) و زینت و آراستگی حکمرانان و ارجمندی دین و راه‌های امن و آسایش هستند و رعیت بر پا نمی‌ماند مگر با بودن ایشان.

بحث و نتیجه‌گیری

در نظام و حاکمیت اسلامی چه در عصر رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌س‌آلهم‌و‌آلهم‌صلوات‌الله‌علیهم‌جمعین) و چه در زمان جانشینان بر حق ایشان و چه در عصر معاصر که ولی‌فقیه در حاکمیت اسلامی قرار دارد و مشروعیت ایشان بر اساس حاکمیت الهی است، مسئولیت و حاکمیت یک امانت از جانب پروردگار متعال می‌باشد و اگر فردی احساس کند که انسان‌های لایق‌تری

از او در مدیریت و حاکمیت بر مردم وجود دارد؛ باید بلادرنگ مسئولیت را به شخص لایق واگذار و خود به‌عنوان کمک آن فرد لایق خدمت نماید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «پروردگارا تو میدانی که مطالبه و اقدام ما برای به دست آوردن حکومت، نه برای تلاش و رقابت در میدان سلطه‌گری بوده و نه برای خواستن زیادتی از مال دنیا، بلکه همه هدف ما ورود به نشانه‌های دین تو و اظهار اصلاح در شهرهای تو بوده است باشد که بندگان ستمدیده تو امن و امان یابند و آن کيفرها و احکام تو که از اجرا باز ایستاده است، به جریان افتد.» از این رو، بخش قابل توجهی از مسئولیت‌ها به خاطر دنیاطلبی و آرزوهای دراز است که ریشه مفساد است و حضرت محمد ابن عبدالله (صلی‌الله علیه و اله) که قرآن هم رفتار و کردار ایشان را اسوه معرفی می‌کند و مورد تأیید قرار می‌دهد و قرآن در گفتار و رفتار او می‌فرماید که مطابق وحی الهی عمل می‌کرد و هیچ‌گاه از خود سخن نگفته و رفتاری به‌غیر از رفتار قرآنی نداشته است در حول همین محور در حکومت ایفای نقش می‌نموده است. همچنین، در سیره امنیتی پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و اله به تهدیدات اصلی امنیت انسان و جامعه انسانی یعنی تهدیدات درونی توجه زیادی شده است. در این راستا، در بحث امنیت فردی «موانع درونی کمال» و به تعبیر دیگر، «ظلم به خود» جزء تهدیدات به حساب می‌آید و در حوزه جهانی استبداد، استکبار و در یک کلام «ظلم به دیگران» تهدید می‌باشد. فرمایش پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله علیه و اله در خصوص جهاد اکبر و اصغر نیز اشاره به همین حوزه دارد موانع کمال یا درونی است یا بیرونی. رذایل اخلاقی جزء موانع درونی هستند، در حالی که استبداد و استکبار از موانع بیرونی به حساب می‌آیند؛ بنابراین مبارزه با تهدیدات درونی مقدمه مبارزه با تهدیدات بیرونی است؛ در نتیجه ضرورت دارد که ما در بحث امنیت فردی موانع درونی کمال را جزء تهدیدات به حساب آوریم، از طرفی گفتار و کردار پیامبر اسلام بر اساس قرآن بوده و از نفس خود جز رسالت و اطاعت چیزی نداشت؛ لذا ایشان به اصل اخوت به‌جای دشمنی و صلح‌طلبی و پرهیز از ظلم و استبداد و وفای به عهد، حکمیت در بین مردم و دعوت به یکتاپرستی، برخورد جدی با مشرکان ستمکار و منافقین، پرهیز از طغیان و طاغوت، جهاد در راه خدا، رعایت انصاف و اعتدال، رحمت و مهربانی با مؤمنان و اطرافیان را به‌عنوان گفتمان غالب در تأمین رهیافت به امنیت داخلی انتخاب که در مدت کوتاهی این رسالت را از شبه‌جزیره عربستان به اقصی



نقاط عالم انتقال داده است. در نهایت، در سیره علوی نیز ما شاهد مقابله حضرت علی (ع) با دشمن درونی و دشمن بیرونی هستیم؛ امام (ع) وجه ویژه‌ای به انسجام و وحدت جهان اسلام و جلوگیری از اختلاف در بین مسلمانان داشتند. توجه به فعالیت مذبوحانه منافقین و خنثی کردن تلاش آن‌ها، اهتمام در حفظ ثبات و آرامش امنیت داخلی، صبر و تحمل در برابر گفتار و رفتار مخالفان، تغییر محل حکومت از سرزمین حجاز به بین‌النهرین (عراق کنونی) و همچنین امام اقدامات امنیتی زیادی در جهت ارتقاء امنیت انجام داده‌اند که خبرگیری از دشمن و جمع‌آوری فعالیت آن‌ها، توجه به اسرار نظامی و اهتمام در گزینش فرماندهان و آموزش مستمر آنان، نظارت نامحسوس بر رفتار کارگزاران و فرمانداران، دعوت به یکرنگی و پرهیز از اختلاف، استفاده از تاکتیک نظامی در جنگ‌ها و توجه به امنیت داخلی حتی در زمان جنگ از جمله این اقدامات می‌باشد.

به‌طور کلی، توجه به اصول، عامل به دستورات قرآن، صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان، خوش‌خلقی، مبارزه با جنگ‌افروزان و فتنه‌گران، نهی از طاغوت، پرهیز از استبداد و اجبار، ظلم‌ستیزی، پایبندی به پیمان و برخورد با پیمان‌شکنان، پایبندی به قوانین الهی، درآمیختن نرمش و واقعیت، برقراری عدل و قسط، توجه به وحدت بین مسلمانان و انفاق و رسیدگی به فقرا و محرومان اهم شاخص‌های است که با توجه به یافته‌های این پژوهش در منابع دینی و سیره نبوی (ص) و علوی (ع) قابل احصاء و ذکر است.

منابع

- ابن ابی الحدید، (1965م). «شرح نهج البلاغه». تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، (دارالحیاء التراث العربی)، (1385)، چاپ دوم، (جلد اول)، ص 307.
- ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (1991م). «مروج الذهب و معادن الجوهر». بیروت: مؤسسه الاعلی، للمطبوعات، (ج 2)، ص 375.
- ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (1371). «اخبار الطول». (ترجمه محمود مهدوی دامغانی)، چاپ چهارم، ص 184، تهران: نشر نی.
- ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (1367). «تبرد جمل». (ترجمه محمود مهدوی دامغانی)، چاپ اول، ص 192-188، تهران: نشر نی.
- اسلامی، مجتبی (1388). «امنیت در اسلام». فصلنامه نظم و امنیت سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، سال دوم، شماره دوم، ص 38.
- ری شهری، محمد (1363). «میزان الحکمه». جلد اول، قم: چاپ دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدیقی، باقر (1380). «تاریخ عرب قبل از اسلام». به قلم سالم عبدالعزیز، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ص 309-315.
- عمید، حسن (1362). «فرهنگ فارسی». تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قرآن کریم
- لک زایی، نجف (1391). «امنیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی». از سلسله مقالات درسی دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مجلسی، --- (---). «بحار الانوار». دارالحیاء العربی، بیروت، جلد 33، ص 534.
- محمد بن جریر طبری (549 ه.ق). «تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)». مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، جلد 3، ص 549.
- مرادیان، محسن (1389). «مبانی نظری امنیت». تهران: چاپخانه علوم و فنون فارابی.
- نادری، امیر (1380). «آسیب شناسی حکومت‌ها از دیدگاه حضرت علی (ع)». فصلنامه دانش انتظامی، سال سوم، شماره دوم.
- نوربخش، سید مرتضی (1387). «نقش توسعه در امنیت از دیدگاه آیات قرآنی». تهران: کتابخانه دانشگاه عالی دفاع ملی.

Archive of SID